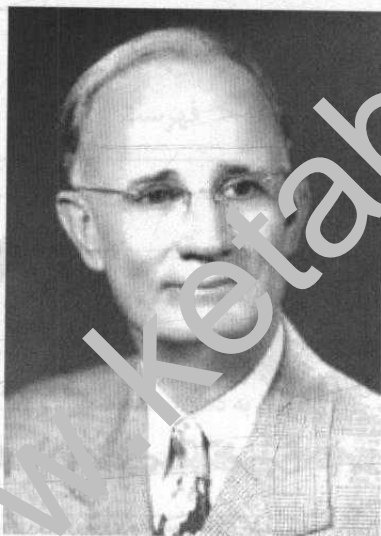


بیندیشید و ثروتمند شوید

(افراد موفق پشتکار و ذهنی ثروتمند دارند)

ناپلئون هیل / افسون صانعی



۲۱۲۲۴۱

www.ketab.ir



سر شناسنامه: هیل، ناپلئون، Hill, Napoleon.
عنوان و نام پدید آور: بیندیشید و ثروتمند شوید. ناپلئون هیل. افسون صناعی.
مشخصات نشر: تهران، زرین کلک.
مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص. رقعی.
شابک: ۳-۲۷-۸۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸.
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
موضوع: موفقیت در کسب و کار.
شناسه افزوده: صناعی. افسون. مترجم.
رده بندی کنگره: HF ۵۳۸۶.
رده بندی دیویی: ۶۵۰/۱.
شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۶۲۸۲۷.



ندای معاصر



خیابان جمهوری - روبروی باغ سپه سالار - شماره ۲۲۸ - تلفن: ۳۳۴۱۰۰
مرکز پخش: خیابان انقلاب - خ منیری جاوید - بن بست مبین - شماره ۳ واحد
تلفن: ۶۶۴۸۱۰۲۹ - ۶۶۴۸۰۳۳۷

بیندیشید و ثروتمند شوید

(افراد موفق پشتکار و ذهنی ثروتمند دارند)

ناپلئون هیل / افسون صناعی

نوبت چاپ: اول (۱۳۹۹) / شمارگان ۳۰۰ نسخه

شابک: ۳-۲۷-۸۸۶۶-۶۰۰-۹۷۸

۴۸/۰۰۰ تومان

فهرست

۵	سخن نویسنده
۱۱	پیش‌گفتار
۱۲	فصل اول: مقدمه
۲۵	فصل دوم: اشتیاق: نقطه‌ی شروع ۵ به ۶ موتیت‌ها
۴۲	فصل سوم: تجسم ایمان به اشتیاق و برر به دست‌یابی به آن گام دوم به سوی ثروت
۵۹	فصل چهارم: تلقین به خود راه نفوذ به ذهن نیمه‌هوشیار
۶۵	فصل پنجم: دانش تخصصی در مورد مشاهدات به نجاری شخصی
۷۸	فصل ششم: تخیل: کارگاه ذهن
۹۰	فصل هفتم: برنامه‌ریزی سازمان‌یافته برای عملی کردن اشتیاق
۱۲۵	فصل هشتم: تصمیم: غلبه بر تنبلی و مسامحه
۱۳۴	فصل نهم: مداومت: تلاش پایدار و لازم برای ترغیب ایمان
۱۴۸	فصل دهم: قدرت مغز متفکر: نیروی محرکه
۱۵۴	فصل یازدهم: کنترل دگرگونی نیروی جنسی
۱۷۰	فصل دوازدهم: ذهن نیمه‌هوشیار: حلقه‌ی رابط
۱۷۷	فصل سیزدهم: مغز: ایستگاه فرستنده و گیرنده‌ی اندیشه
۱۸۲	فصل چهاردهم: حس ششم: دری به سوی معبد خرد
۱۸۹	فصل پانزدهم: چگونه شش شبح ترس را فریب دهیم

سخن نویسنده

در همی فصول این کتاب به راز پول‌سازی اشاره شده است؛ رازی که بیش از پانصد مرد ثروتمند که من طی دوره‌ی طولانی چند ساله‌ای زندگی آن‌ها را تجزیه و تحلیل کرده‌ام، به کمک آن ثروتی به هم زده‌اند.

اندرو کارنگی^۱ بیش از بیست و پنج سال پیش، توجه من را به این راز جلب کرد. این پیرمرد اکتانندی دوست‌داشتنی زیرک وقتی من پسر بچه‌ای بیش نبودم، آن را به فکر من انداخت. بعد به صندلی‌اش تکیه داد و با برق سرخوشانه‌ای در چشم‌هایش به دقت مراقب بود که بفهمد من آن قدری باهوش هستم که اهمیت گفته‌های او را کاملاً درک کنم یا نه.

وقتی دید که مطلب «ارزنام» ز من پرسید آیا دوست دارم بیست سال از عمرم را صرف آماده‌سازی خودم برای امتحان این مطلب به جهانیان کنم؟ به مردان و زنانی که بدون این راز، احتمالاً در کل زندگی‌شان ازنده خواهند بود. به او گفتم که دوست دارم این کار را انجام دهم و با همکاری آقای کارنگی، هر قولم ایستاده‌ام.

این کتاب حاوی این راز است که هزاران نفر آن را در اکثر مراحل زندگی امتحان کرده‌اند. آقای کارنگی فکر می‌کرد که این فرمول جاده‌ی ثروت شگفت‌انگیزی را برای او به ارمغان آورده و باید در دسترس کسانی قرار گیرد که وقت بررسی شیوه‌ی پول درآوردن را ندارند. آقای کارنگی امیدوار بود که من می‌توانم این فرمول را در خلال تجربه‌ی مردان و زنان با هر حرفه‌ای، آزمایش کنم و نمایش دهم. او باور داشت که این فرمول باید در همه‌ی کالج‌ها و مدارس عمومی تدریس شود. به نظر او اگر این فرمول به درستی تدریس شود می‌تواند کل نظام آموزش را به گونه‌ای متحول کند که مدت زمان مدرسه به نصف برسد.

تجربه‌ی آقای کارنگی با چارلز م. شواب^۲ و مردان جوان دیگری همچون آقای شواب، او را متقاعد کرده بود که بیشتر مطالب درسی‌ای که در مدارس تدریس می‌شود، هر چه قدر هم که به کار امرار معاش یا تجمیع ثروت ربط داشته باشند هیچ ارزشی ندارند. او به این نتیجه رسیده بود چون مردان جوان زیادی را وارد کسب‌وکار خودش کرده بود که بسیاری از آن‌ها آموزش چندانی ندیده بودند، در نقش مربی، کاربرد این فرمول را به

¹ Andrew Carnegie

² Charles M. Schwab

آن‌ها آموزش داده بود و کیفیت رهبری بی‌نظیری را در آن‌ها پرورش داده بود. افزون بر این، مربی‌گری او ثروت زیادی را برای آن دسته از شاگردانش که دستورالعمل‌هایش را اجرا کرده بودند، به همراه آورده بود. در فصل «ایمان»، داستان حیرت‌آور سازمان بزرگ شرکت فولاد ایالات متحده را خواهید خواند که مرد جوانی آن را اجرایی می‌کرد و کارنگی با این مثال ثابت کرده که فرمولش برای همه‌ی کسانی که پذیرای آن هستند، کارگر خواهد بود. این یکی از کاربردهای این راز است که چارلز م. شواب جوان به وسیله آن پول و فرصت عظیمی را به دست آورد. به طور کلی، کاربرد خاص این فرمول رای او ششصد میلیون دلار ارزش داشت. این حقایق (این‌ها واقعاً حقایق شناخته‌شده‌ای نیستند) کسانی که آقای کارنگی را می‌شناختند، هستند) ایده‌ای نسبی از مطالب این کتاب را شما خواهند داد به این شرط که بدانید چه چیزی می‌خواهید.

حتی پیش از آن که او در فروردین بیست سال تحت آزمون عملی قرار گیرد، در اختیار صد هزار مرد و زن قرار گرفت که برای برنامه‌ریزی‌های آقای کارنگی، از آن برای منافع شخصی‌شان استفاده کردند. برخی در آن‌ها به ثروت رسیدند. دیگران در ایجاد هماهنگی در خانه‌هایشان، با موفقیت آن ابراهام برخورد کردند. کثیری چنان استفاده‌ی کارآمدی از آن کرد که به درآمد بیش از ۷۵,۰۰۰ دلار در سال دست یافت.

آرتور نش^۲، خیاطی اهل سینسیناتی، کسب و کارش در شرف ورشکستگی‌اش را موش آزمایشگاهی کرد و این فرمول را روی آن آزمایش کرد. کسب و کارش زنده شد و به درآمد رسید. این کسب و کار هنوز هم شکوفاست هر چند آرتور نش فوت کرده است. این آزمایش آن قدر منحصر به فرد بود که روزنامه‌ها و مجلات آن را از یک میلیون دلار تبلیغات در ستایش آن منتشر کردند.

این راز به استوارت آستین ویر^۳ اهل دالاس تگزاس رسید. او مشتاقانه آن را پذیرفت به طوری که حرفه‌اش را رها کرد و حقوق خواند. آیا موفق شد؟ داستان این را هم تعریف خواهیم کرد.

من این راز را به جنینگز راندولف^۴ روزی که از کالج فارغ التحصیل شد گفتم، و او آن را با موفقیت کامل به کار برد و اکنون او سه دوره است که عضو کنگره شده و فرصتی عالی دارد که همچنان از آن بهره بگیرد تا در مقام ریاست جمهوری به کاخ سفید برسد. هنگامی که مدیر تبلیغات یکی از شعبه‌های دانشگاه لاسال^۵ بودم (در آن هنگام هنوز چندان شناخته‌شده نبود) افتخار ملاقات با جی. جی. چاپلین، رییس دانشگاه، را داشتم تا

این راز را با او در میان بگذارم. او چنان با کارآمدی از آن استفاده کرد که لاسال را به یکی از عالی‌ترین دانشگاه‌های کشور تبدیل کرد.

در سراسر این کتاب، بیش از صد بار به این راز اشاره کرده‌ام. هنوز نام مشخصی ندارد چون به نظر من وقتی تقریباً پنهان باشد و در دیدرس قرار نداشته باشد با موفقیت بیشتری کار می‌کند و کسانی که پذیرا و طالب آن هستند، می‌توانند به آن برسند. آقای کارنگی هم به این دلیل، آن را خیلی آرام به میدان من انداخت بدون این که نام مشخصی به آن بدهد.

اگر حاضرید که این راز را به کار ببندید، دست کم یک بار در هر فصل، آن را درک خواهید کرد. بی‌کاش این افتخار را داشتیم که به شما بگویم چگونه بدانید که آماده هستید خیر، اما این کار شما را از منافع اکتشاف آن توسط خودتان محروم خواهد کرد. زمانی که این کتاب نوشته می‌شد، پسر خودم که در آن زمان، آخرین سال کالج را سپری می‌کرد، دست بر سر فصل را برداشت، آن را خواند و خودش راز را کشف کرد. او به چنان کارآمدی در این اطلاعات استفاده کرد که مستقیماً وارد شغلی شد که درآمدش از همان ابتدا بیسر از درآمد متوسط بود. داستان او به طور خلاصه در فصل دو توضیح داده شده است.

اگر در ابتدای کتاب احساس کرده باشید که عده وعیده‌های آن بیش از حد است، پس از خواندن کتاب احتمالاً این احساس را رد خواهید کرد. و گذشته از این، اگر ناامید شده باشید، اگر مشکلاتی داشته‌اید و نتوانسته‌اید بر آن‌ها فائق آید و دلسردتان کرده است، اگر تلاش کرده‌اید و شکست خورده‌اید، اگر به دلیل بیماری یا درد جسمانی معلول شده‌اید، داستان اکتشاف پسر من و استفاده از فرمول کالجی می‌تواند واحه‌ای در دل کویر ناامیدی باشد که به دنبال آن بوده‌اید.

وودرو و ویلسون^۶، رئیس جمهور وقت آمریکا، از این راز طی جنگ جهانی استفاده‌ی گسترده‌ای کرد. پیش از این که سربازان به خط مقدم اعزام شوند، طی ورزش‌هایی این راز را به همه‌ی آن‌ها انتقال می‌دادند. رئیس جمهور ویلسون به من گفت این راز عاملی قوی در تأمین بودجه‌ی مورد نیاز برای جنگ بود.

بیش از بیست سال پیش، هان مانوئل آل. کونیزون^۷ (سفیر وقت مقیم جزایر فیلیپین) از این راز برای آزادی مردمش الهام گرفت. او آزادی را برای فیلیپینی‌ها به ارمغان آورده و اولین رئیس جمهور دولت آزاد فیلیپین است. یکی از ویژگی‌های عجیب این راز این

⁶ La-Salle Extension University

⁷ Woodrow Wilson

⁸ Hon. Manuel L. Quezon

است که کسانی که آن را در می‌یابند و به کار می‌گیرند، موفقیت بدون زحمت زیادی نرم‌ترمک به آن‌ها نزدیک می‌شود و هرگز دوباره تسلیم شکست نخواهند شد! اگر تردید دارید، اسامی کسانی را (هر جا که به آن‌ها اشاره ای شده) بخوانید که از این راز استفاده کرده‌اند، سوابق آن‌ها را برای خودتان بررسی کنید و متقاعد شوید: هیچ چیز بدون بها به دست نمی‌آید.

رازی که به آن اشاره می‌کنم بی‌قیمت به دست نمی‌آید هرچند که این قیمت بسیار کمتر از ارزش آن است. این راز برای کسانی که دانسته در طلب آن هستند قیمتی ندارد. این راز ناباشنا نیست، قابل خرید با پول نیست، به این دلیل که در دو بخش می‌آید. یک بخش از قبل در دستانتار کسانی است که پذیرای آن هستند. این راز به یک اندازه در خدمت کسانی خواهد بود که برای پذیرش آن آمادگی دارند.

تحصیلات ربطی به آن ندارد خیلی پیش از تولد من، این راز در اختیار توماس ای. ادیسون^۱ بوده و او دانسته آن را به کار برده و به مخترع پیشروی دنیا تبدیل شده است با این که فقط سه ماه به مدرسه رفتن بود. این راز به شعبه‌ی کسب‌وکار آقای ادیسون انتقال داده شد. ادیسون با چنان کارآمدی ای که آن بهره‌جست که هرچند در آن زمان، فقط سالی ۱۲،۰۰۰ دلار درآمد داشت، ثروت عظیمی به هم زد و وقتی هنوز مرد جوانی بود، از کسب‌وکار فعال خودش بازنشسته شد داستان او را در ابتدای فصل اول خواهید خواند. این داستان باید شما را متقاعد کند که ثروت بدست آوردن راز از دسترس شما نیست، که هنوز می‌توانید به آرزوهایتان برسید، و هر کسی که آماده مصمم برای داشتن پول، شهرت، تأیید و شادمانی است می‌تواند آن‌ها را داشته باشد.

من این چیزها را از کجا می‌دانم؟ پیش از تمام کردن کتاب باید به پاسخ این سؤال رسیده باشید. شاید آن را در همان فصل اول پیدا کردید، شاید در صفحه‌ی آخر. هنگام اجرای پژوهش‌های بیست ساله‌ام به درخواست آقای کارنگی، زندگی‌نامه‌سدها مرد مشهور را تجزیه تحلیل کردم که بسیاری از آن‌ها پذیرفتند که ثروت هنگفت شان را به کمک راز آقای کارنگی به دست آورده‌اند؛ اسامی برخی از آن‌ها را می‌بینید:

هنری فورد، الکساندر گراهام بل، جیمز هیل، جان دیویس، آرتور نش، جان پترسون، توماس ادیسون، آلبرت هوربارت، تئودور روزولت، فرانک گونزالس، جورج ایسمن و ... این اسامی تنها نشان‌گر بخش کوچکی از صدها آمریکایی مشهوری هستند که دستاوردهای مالی و غیره‌شان ثابت می‌کنند که هر کس راز کارنگی را درک کند و به کار بیند، به جایگاه بالایی در زندگی دست می‌یابد. من هرگز کسی را ندیده‌ام که از

این راز الهام گرفته باشد، از آن استفاده کرده باشد و در کار متخیش به موفقیت ارزشمندی نرسیده باشد. هرگز کسی را ندیده‌ام که بدون دانستن این راز، متمایز شده یا به هر طریقی، به ثروت رسیده باشد.

از این دو حقیقت به این نتیجه می‌رسد که این راز، به عنوان بخشی از دانش ضروری برای خودتعیین‌گری، از هر گونه «تحصیلاتی» مهم‌تر است.

اصلاً «تحصیلات» چیست؟ به این پرسش به دقت پاسخ داده شده است. تا آن‌جا که به مدرسه رفتن و آموزش دیدن مربوط است، بسیاری از این مردان آموزش چندانی ندیده‌اند. یک بار جان وانامیکر^{۱۰} به من گفت که همان‌اندک آموزشی که دیده را مثل لوک و تیبی می‌مدرن روی آب به دست آورده یعنی «همان‌طور که به جلو می‌رود آن را می‌قاپد». هنری فورد هرگز به دبیرستان نرفت چه رسد به دانشگاه. قصدم این نیست که ارزش تحصیلات را نادیده بگیرم اما سعی می‌کنم این باور صادقانه‌ام را بیان کنم که هر کس در این راز به مهارت برسد و آن را به کار ببندد، به جایگاه بالایی خواهد رسید، ثروت خواهد اندوخت و موفق‌ترین و باارزش‌ترین خودش از پس زندگی بر می‌آید حتی اگر تحصیلات اندکی داشته باشد.

همان‌طور که این کتاب را مطالعه می‌کنید، راز مورد اشاره‌ی من در جایی از صفحه‌ی خواهد پرید و جسورانه جلوی چشم شما قرار خواهد گرفت، البته اگر برای آن آمادگی داشته باشید! به محض این‌که پیش چشم‌تان ظاهر شود، آن را خواهید شناخت. چه علامت را در فصل اول بگیرید چه در فصل آخر، وقتی خودش را به شما می‌نماید، لحظه‌ای درنگ کنید و لیوانی را وارونه کنید چرا که این وضعیت، مهم‌ترین نقطه‌ی عطف زندگی‌تان را به شما نشان خواهد داد.

حالا به فصل اول و داستان دوست بسیار عزیز من می‌رسیم. او شخصاً تأیید کرده است این علامت رمزی را دیده است و موفقیت‌های کاری‌اش آشکارا نشان داده که لیوان را وارونه کرده است. وقتی این داستان و باقی داستان‌ها را می‌خوانید، به خاطر داشته باشید که این داستان‌ها با مشکلات مهم زندگی همچون همه‌ی تجربه‌های مردان سر و کار دارند. مشکلات ناشی از تلاش فرد برای امرار معاش، رسیدن به امید، جسارت، رضایت و آرامش ذهن؛ ثروت‌اندوزی و برخورداری از آزادی روح و جسم.

وقتی کتاب را می‌خوانید، به یاد داشته باشید که مطالب آن درباره‌ی حقایق است نه داستان‌های تخیلی و هدف از آن انتقال حقیقت جهانی بزرگی است که همه‌ی کسانی که

آماده هستند می‌توانند به وسیله‌ی آن یاد بگیرند چه کاری را انجام دهند و نیز چگونه آن کار را انجام دهند و همچنین، محرک‌های لازم برای شروع کار را دریافت کنند. کلام آخر برای آمادگی؛ اگر به من اجازه دهید می‌خواستم پیش از این که فصل اول را آغاز کنید، پیشنهادی به شما بدهم که سرنخی را برای شناختن راز کارنگی در اختیارتان می‌گذارد: تمامی موفقیت‌ها، تمامی ثروت‌های حاصل از یک ایده آغاز شده‌اند! اگر برای این راز آمادگی دارید، همین حالا هم نیمی از آن را در اختیار دارید، از این رو، به محض این که نیمه‌ی دیگر آن به ذهن‌تان برسد به آسانی آن را تشخیص خواهید داد.

ناپلئون هیل